

خطابه مبارکه در مجلس اسپرانتویستهای ادین‌بورگ (اسکاتلند) بعد از اوصاف رئیس مجلس و سایر پروفیسرها و مسترها در ذکر حضرت عبدالبهاء ۹ ژانویه ۱۹۱۳

هو الله

از احساسات وجدانیّه مسترها خیلی ممنونم فی الحقیقه آنچه فرمودند ستایش خود ایشان است زیرا دلیل بر احساسات فاضلانه بود دلیل بر علوّ همّت و انتشار لسان اسپرانتو بود و این سبب سرور عموم است چرا که هر چه در عالم انسانی سبب اتّحاد شود مفید است و هر چه سبب اختلاف و تفریق مضرّ است این قرن نورانیست اکتشافاتش بسیار است اختراعاتش بسیار و مشروعاتش بسیار و بسبب این آثار از سائر قرون ممتاز و اعظم مشروع این قرن وحدت عالم انسانیست و همچنین وحدت لسان سبب الفت بین قلوب است سبب حصول اتّحاد است سبب زوال سوء تفاهم است سبب ظهور حقیقت است و سبب محبّت جمیع بشر است و سبب تفهیم و تفهّم است که اهمّ امور در عالم انسانیست هر فردی از افراد بشر بجهت وحدت لسان میتواند بر افکار عموم بشر اطلاع یابد بسبب وحدت لسان انسان میتواند باسرار قرون ماضیه مطّلع شود و بکمال سهولت تحصیل علوم و فنون موجوده کند زیرا در مدارس شرق و غرب اهالی باید چند سال زحمت بکشند تا تحصیل السن نمایند اوّل باید چهار سال تحصیل لسان نمایند تا مباشرت بعلم کنند مثلاً شخصی از اهل هند یا ایران و ترکستان و عربستان بخواهد تحصیل فنّ طبّ نماید اوّل چهار سال تحصیل لسان انگریزی کند تا مباشرت بتحصیل طبّ نماید لکن کسی لسان عمومی داشته باشد در صغر سنّ آن لسان را تحصیل کند بعد بهر مملکتی رود بدو بتحصیل علوم مشغول شود و امروز اگر نفسی ده زبان داشته باشد باز محتاج لسان دیگر است امّا اگر لسان عمومی باشد چه قدر آسان میشود فی الحقیقه نصف حیات بشر باید بتحصیل لسان صرف شود هر کس بخواهد در یکی از قطعات عالم سفر کند باید ده لسان بداند تا بتواند با عموم معاشرت کند و تحصیل ده لسان یک عمر میخواید امّا یک لسان عمومی انسانرا از همه این مشقّتها راحت میکند خلاصه تفهیم و تفهّم منوط بلسان واحد است باید تلمیذ و معلّم وحدت لسان داشته باشند تا تفهیم و تفهّم حاصل شود چه که در عالم انسانی امری اعظم از تفهیم و تفهّم نیست تربیت صحیح منوط بتفهم و تفهّم است تعلیم علوم منوط باین است و این است سبب تحصیل معارف عمومی و باین سبب انسان از هر امری واقف شود پس اگر وحدت لسان باشد جمیع افراد بشر باسانی بیکدیگر تفهیم نمایند

حکایت کنند که دو نفر دوست بودند که لسان یکدیگر را نمیدانستند یکی بیمار شد دیگری بیعادت او رفت رفیق از مریض پرسید باشاره که چه طوری جواب داد مردم ولی رفیق چنین فهمید که میگوید بهترم گفت الحمد لله باز باشاره پرسید چه خوردی جواب داد زهر گفت شفای عاجل است باز پرسید حکیم تو کیست جواب داد عزرائیل گفت قدمش مبارکست شخص ثالث که زبان هر دو را میدانست برفیق گفت میدانی چه جواب میدهی گفت چون من چنین گمان کردم که میگوید بهترم گفتم الحمد لله میگوید فلان دوا خوردم گفتم شفای عاجل است میگوید حکیم من فلان کس است لهذا گفتم قدمش مبارکست بعد چون فهمید بعکس جواب داده خیلی محزون شد و این حکایت را نوع دیگر مثنوی بیان میکند مقصد یکی است خلاصه هیچ چیز بهتر از تفهیم و تفهّم نیست و هیچ چیز از عدم تفهیم و تفهّم بدتر نه هر کس گیر کرده میدانند چگونه انسان متحرّیر میماند هیچ نمیداند چه بکند از هر چیز باز میماند امّا چون وحدت لسان حاصل شود همه مشکلات حلّ گردد الحمد لله لسان اسپرانتو پیدا شده و این از خصائص این قرن و از اعظم مشروعات است تا بحال عالم انسانی این استعداد نداشت در قرون ماضیه فی الحقیقه بخاطر نمیآمد و ممکن نبود زیرا اسباب معاشرت و ذهاب و ایاب اینگونه فراهم نبود حال وسائط نقلیه و ارتباط از هر گونه بسیار لهذا ترویج لسان واحد در جمیع ممالک ممکن حضرت بهاءالله پنجاه سال پیش کتاب

اقدس را مرقوم فرمود از جمله تعالیم الهیه در آن کتاب اقدس این است که باید یک لسان عمومی ایجاد شود و در جمیع مدارس تعلیم گردد و فوائد آن چنین و چنان است حال الحمد لله لسان اسپرانتو اختراع شده لهذا من میگویم که جمیع بهائیان شرق تحصیل کنند عنقریب در شرق انتشار خواهد یافت و خواهش دارم نهایت سعی در تحصیل و ترویج آن بنمائید زیرا یومی را که انبیا بیان کرده‌اند یوم وحدت عالم انسانست که گرگ و میش از یک چشمه بنوشند شیر و آهو در یک چراگاه بچزند یعنی امم مختلفه با هم الفت نمایند ادیان متضاده متحد شوند و الا گرگ و میش هرگز با هم نچزند میش همیشه غذای گرگ بوده اگر گرگ ندرد و نخورد میمیرد پس مقصد نفوس مختلفه و مذاهب و اجناس متنوعه است که با هم الفت نمایند و متحد شوند امروز آنروز است پس هر چه سبب اتحاد است خوبست و نافع و اعظم وسیله وحدت لسان است که عالم انسانی را عالم واحد کند سوء تفاهم ادیان را زائل نماید شرق و غرب را دست در آغوش یکدیگر دهد وحدت لسان عالم انسانرا یک عائله کند وحدت لسان اوطان بعیده را وطن واحد نماید و قطعات خمسه را قطعاً واحده زیرا لسان یکدیگر را میدانند و این سبب میشود که نادانی از میان میرود هر طفلی باین سبب تحصیل علوم میکند و محتاج بدو لسان و بس یکی لسان وطنی یکی لسان عمومی یمنکن بجائی رسد که بلسان وطنی هم احتیاج نماند دیگر چه موهبتی اعظم از این است و چه راحتی برای انسان بهتر از این عالم انسانی جنت میشود چنانچه میگویند لسان اهل جنت لسان واحد است عالم ناسوت آئین ملکوت گیرد اکتشافات بسیار شود اختراعات تزیید نماید صنایع ترقی کند فلاح ترقی یابد زیرا ملل از یکدیگر بیخبر نمانند چون لسان لسان واحد است شرق از فیوضات غرب استفاضه کند غرب از انوار شرق منور شود خلاصه باین سبب عالم انسانی عالم دیگر شود ترقیات فوق العاده حاصل گردد یک مملکت وقتی لسان یکدیگر را ندانند چه قدر مشقت دارند و اگر بدانند چه قدر سهولت در امور یابند لهذا امیدوارم این لسان اسپرانتو بزودی تعمیم و در جمیع عالم انتشار یابد تا کل در نهایت الفت و یگانگی زندگی نمایند